

«گیشه»

یا اندیشه

حسن بهمدی

نقد و نظری بر فیلم مرز

و نمی‌توانند آنچه که در گذشته بخورد مردم داده همانرا دومرتبه به دهان مردم بگذارند. لذا به نتیجه‌ای مطلوب، البته مطلوب برای جیب! رسیدند که سینمای ایران احتیاج به فیلمهای انقلابی دارد. و اینگونه بخود جرأت دادند که بعد از آنهمه شیره مالیدن بر سر جماعت مسلمان با به میدان گذاشته و فیلم به اصلاح انقلابی بسازند انقلابی که چه عرض کنم، کسبه ناقصی و بسیار ناشایانی از گوشه‌های انقلاب که بیشتر به کاریکاتور انقلاب می‌رود تا خود انقلاب.

جلوگیری از نمایش این گونه فیلمها که بعد از انقلاب ساخته شده نه تنها به هنر و سینمای فارسی لطمه نمیزند، بلکه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی ایران و هنر می‌باشد.

در فیلمهای ساخته شده بعد از انقلاب اگر توجه شود میتوان تشخیص داد که فیلم همان فیلم است و هنرپیشه همان و کارگردان و... همان، فقط موضوع عوض شده که آنهم برای فیلمسازان چارهای نبود والا...

«بسمه تعالی» دیدیم که سینمای فارسی قبل از انقلاب رو به افست و ورشکستگی پیش میرفت، و همچنین شاهد بودیم که صاحب نظران آن زمان!! همانهایی که بیشتر دشمن بحال جیبشان میسوخت تا سینمای زخم خورده ایران، تشخیص دادند فقط سکن بر طرف کنند این نقیصه است، که خوشبختانه به سرعت انقلاب اسلامی، این تر شیطانیه به مرحله اجرا در نیامد و به هنرمندان ما احساس ورشکستگی دست داد. هنرمندانی!! که تا قبل از انقلاب تن به ساختن و بازی در هر گونه فیلمی که بفروش برود میدادند، و مردم تشنه مسارا تشنه‌تر از درب سینما روانه خانه‌هایشان می‌ساختند. فیلمهای کلاه مخملی و آبکی که دهها نمونه آن را دیدیم ساخته شد و بر روی پرده بنمایش درآمد، و بدینال آن سکن هم دوره جدیدی را آغاز میکرد که انقلاب اسلامی ترمز آن را کشید.

در حال حاضر فیلمسازان، یا بهتر بگویم پولسازان هنرمند! به این نتیجه رسیدند که در جمهوری اسلامی جایی برای اینگونه حرکتهای ضد مردمی وجود ندارد،

بگذار گردانی جمشید حیدری و بسازی داود رشیدی - سیدراد - آهوخوردند - تورج مهرزاد - مهری ودادیان - گیسوخردمند - تهیه کننده: هادی مشکوة سناریست: سیروس لوند

در چند روز گذشته فیلم مرز در چندین سینمای تهران پخش شده است. فیلم مرز گوشه‌ای از فسادکاریهای هوطنان مرز نشین را عنوان کرده، در این فیلم که نمایی شده بود واقیعیات عنوان شده، بسیاری از واقیعیات نادیده و یا از قلم افتاده بود. داستان مرز از آنجا شروع میشود که ارتش مزدور عراق بیگ پاسبان مرزی و یک روستا حمله میکند و همجا را به آتش میکشد و نابود میکند. بعد از این ماجرا در روستایی نزدیک به این منطقه عدای قصد جنگیدن با مزدوران عراقی را میکنند و راهسی جبهه می‌شوند.

انها بعد از گذشت چند سرباز عراقی موفق به تسخیر پاسگاه ایرانی که تحت تصرف عراق بود میشوند و با بالا رفتن پرچم جمهوری اسلامی ایران فیلم پایان می‌رسد، ما در اینجا از این فیلم بعنوان یک فیلم تعاربی یاد میکنیم که سفسدات و آرمناهای انقلابی و مردم مسلمان را به تسخیر گسرنه است

ناراحتی است، چه، سینمای قبل از انقلاب و بعد از انقلاب فرقی نکرده است. پس تکلیف هنر مردمی چه میشود، مگر نه اینست که هنرمند رساننده پیام الهی به مردم می‌باشد، مگر نه اینست که هنرمندان ما این رسالت الهی را بدوش نکشیدند، و بلکه آن را عهدشمار نیز

* اگر هنرمندان خود را اختیار پولسازان قرار دهند، آنها بزودی از بین خواهند رفت و تهیه کننده‌های متعهد جای آنها خواهند گرفت.

چیز باعث شد که در آن شرایط، با آنهمه مشکلات فیلمی بوجود آید که انقلاب را محکومتر از پیش سازد؟ آیا نام و سکتور خارا موزیسین شیلیایی را شنیداید و در هنرمند رساننده پیام الهی به مردم می‌باشد، مگر نه اینست که هنرمندان ما این رسالت الهی را بدوش نکشیدند، و بلکه آن را عهدشمار نیز



بجیب پولسازان حرفه‌ای روانه می‌سازند. اگر هنرمندان خود را در اختیار پولسازان قرار ندهند آنها بزودی از بین خواهند رفت، و آنها را خواهند متعهد جای وقت است که هنرمندان ما مردمی شده‌اند و میتوانند برای این امت زحمت بکشند. در سراسر فیلم مرز هیچ نشانه‌ای از انقلاب اسلامی یافت نمی‌شود. آیا این موضوع که در این فیلم هیچ یادی از زنده‌ها ارگان

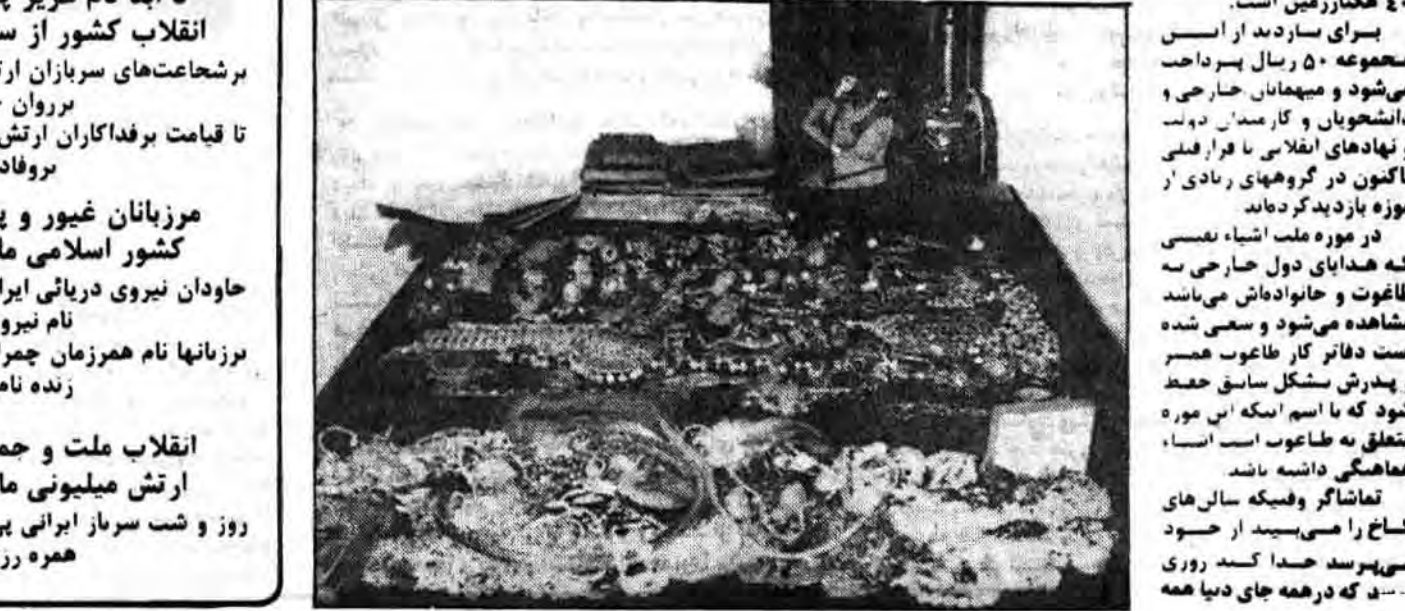
* در فیلمهای ساخته شده بعد از انقلاب اگر توجه شود، میتوان تشخیص داد که فیلم همان فیلم است و هنرپیشه همان و کارگردان و... همان. مگر نه اینست که هنرمندان رساننده پیام الهی به مردم می‌باشند؟ * چرا نباید یک هنرمند از هنرش در جهت مردم استفاده کند و خود را در اختیار پولسازان گذاشته، و علتی باشد برای ساختن پول، پولی که بجیب پولسازان حرفه‌ای می‌رود.

دست به کارهای خیلی معمولی بزند! چرا نباید یک هنرمند از هنرش در جهت مردم استفاده کند و خود را در اختیار پولسازان گذاشته، و علتی باشد برای ساختن پول، پولی که بجیب پولسازان حرفه‌ای می‌رود. دقیقاً از یک هنرپیشه خوب استفاده می‌کنند و آنرا را به خدمت خود می‌گیرند که متأسفانه می‌بینیم بعد از انقلاب هم چنین شده است. بنظر شما اگر بازی خوب تنی چند از بازیگران مرز نبود، این فیلم تجارتنی می‌توانست موفق باشد؟ پس می‌بینیم هنرمندان هستند که با بازی خویش به فیلم مرز جان میدهند و سیل پول را

دیداری از موزه ملت در مجموعه کاخهای طاغوت در سعد آباد

روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی گزارشی از فعالیت‌های جدید مجموعه کاخهای سعد آباد از جمله موزه ملت که با زحمت شبانه‌روزی کارکنان اداره کل موزه‌ها آماده بهره‌برداری شده است می‌نویسد: موزه ملت با کاخ سفید که شاه سابق بازنش فرج ۲ ماه در سال در آنجا زندگی میکرد هم اکنون برای تماشاگران و بازدیدکنندگان آماده است.

فرشهای این کاخ بیشتر توسط عوامل وظیفی مشهد یافته شده است و حرو گرانترین و بهترین فرشهای دنیا است. در ویترین‌های شیشه‌ای کاخ سنگهای گسرنه‌ای سراسر دنیا جمع‌آوری شده است. هر یک از سالن‌ها با سبک مخصوصی تزئین شده است و تابلوهای همان سبک که با قرن و سالهای اشیاء هماهنگی دارد در سالن آویزان شده است ۲۴ کسر راهم‌ای آرموده اداره کل موزه‌ها راهم‌ای نمایشگران و سازنده‌های آن را روزانه در کاخ برعهده دارند. طبق تصویب شورای اصلاحات انشاء مطلا و بهره و انسیف کاخها به بانک مرکزی انتقال یافته است.



مجموعه کاخها در حدود ۵۰ هکتار زمین است. برای بازدید از این مجموعه ۵۰ سال پرداخت می‌شود و میهمانان خارجی و دانشجویان و کارمندان دولت و نهادهای انقلابی با فرافنی تاکنون در گروه‌های زیادی از موزه بازدید کرده‌اند. در موزه ملت اشیاء نفیسی که هدایای دول خارجی به طاغوت و جاودادش می‌باشد مشاهده می‌شود و سعی شده است دفاتر کار طاغوت مهر و پندرش شکل سابق حفظ شود که با اسم ایگه این موزه متعلق به طاغوت است. اشیاء هماهنگی داشته باشد. تماشاگر وسیفیکه سالن‌های کاخ را می‌سپرد از حدود می‌رسد حتما کسد روی که در همه جای دنیا همه

رأی



نوبت من رسید، مامورین خوب تفتیش کردند و بسداخل فرستادند. دو ساعت میشد که توی صف ایستاده بودم، بعضی ورود صدای شیون پیر زنی که میخواست رای بدهد شنیدم، او گر به کنار التماس می‌کرد که برای شوهر مریش هم رای بدهد. شناسنامه شوهرش را در میان دستان استخوانی و ناتوانش می‌فشرده و اصرار به رای دادن داشت. مامورین هر چه به او می‌گفتند که صندوق سیار هم وجود دارد او قبول نمی‌کرد و باز هم اصرار میکرد تا اینکه بعد از کشمکش فراوان پیر زن ناله کنان از در بیرون رفت. شناسنامه را دادم به یکی از مسئولین بعد از مدتی دو برگ به من دادند، یکی سبز و دیگری سفید، آنها را گرفتم و بگوشه‌ای رفتم. برای نوشتن برگها آماده شدم که نوشته رئیس جمهور در بالای برگ رای توجهم را جلب کرد، نام رئیس جمهور مرا بیاد شهید رجائی انداخت، اشک در چشم حلقه زد و برگ سفید در مقابلم محو گشت، یک- لظه یاد آمد آن پیر مردی را که در صف با من صحبت می‌کرد و از زندگی خود برآیم می‌گفت. او با من از فرزندان سخن میگفت، میدانید او دو پسر داشت که کمونیست بودند و از اینکه آنها را بزرگ کرده بود شرم داشت، او از زندگی محقرش میگفت که چگونه کسرش را شکسته و میگفت تا جان هست، ما مسلمانان این مرز و بوم نخواهیم گذاشت اسلام از بین برود، اگر چه دشمنان انقلاب گندمها را بسوزانند مواد غذایی را از بین ببرند در خیابانها هرج و مرج راه بیاندازند، بیت‌المال را آتش بزنند و مردم بیگناه را بکشند و اگر چه ما مسلمانان از گرسنگی بمیریم، باز هم به جمهوری اسلامی وفا داریم و از آن حمایت می‌کنیم، حرفهای پیر مرد که یاد آمد استوار تر از همیشه برگه سفید را نوشتم و اسم آقای خامنه‌ای را با وجود ثبت کردم، برگه سبز را نیز بر کردم و به صندوق انداختم. وجودم را گرفت. الله اکبر!! چه جمعیتی! با خودم گفتم این مردم مانند کوه هستند اینها هنوز هم رهبرشان امام عینی است، کافی است که امام لب بکشد و آنها اجرا کنند. در دل بارها خدا را شکر گفتم که بمردم قلبی آکنده از عشق اسلام و امام عنایت کرده، توجه کردم به آدمها، به لباسها و کفشها، خدایا بحق که مستضعفین وارتان زمینند. در میان زنها، خواهری توجهم را جلب کرد، او با یک بچه در کنارش و کودکی دو یغلی ایستاده بود چشادرش را بسا دندان نگه‌داشته بود، بنظر آمد که دارد می‌آفتد، اما عشق به انقلاب او را سرپا نگه‌داشته بود براه افتادم و قدم زنان از حوزه دور شدم، در راه می‌دیدم کسانی را که بطرف شعبه اخذ رای میرفتند آرزو میکردم که اینسار خداوند رئیس جمهور منتخب ما را از شر دشمنان حفظ کند. در این فکر بودم که بیک سرویس سیار بسدم مردم در آنجا نیز جمع بودند در آن میان پیر زن را دیدم که با مسئول شعبه سیار مشغول چانه زدن بود.

عکاس: محمدرضا بهارناز



تلاش

میز نهار خوری کاخ ملت بهمان صورت سابق تزئین شده است که اکثرآ سطلها می‌باشد و اکثر کار کارخانه‌های در برلین آلمان می‌باشد که فقط برای اشرف و سلاطین دنیا ظروف می‌ساخته است. تابلوهای نقاشی کاخ از هنرمندان برجسته خارجی با رنگ و روغن می‌باشد و از هنرمندان ایرانی می‌توان از کارهای استاد طاهر بهزاد نام برد. ساعات بازدید کاخ همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۲ عصرها از ۹ تا ۵ بعدازظهر می‌باشد. روزهای جمعه و ۱۱ تا ۱۰ و ۱۲ تا ۹ بوده و شنبه تعطیل است.

عکاس: محمدرضا بهارناز



تلاش

میز نهار خوری کاخ ملت بهمان صورت سابق تزئین شده است که اکثرآ سطلها می‌باشد و اکثر کار کارخانه‌های در برلین آلمان می‌باشد که فقط برای اشرف و سلاطین دنیا ظروف می‌ساخته است. تابلوهای نقاشی کاخ از هنرمندان برجسته خارجی با رنگ و روغن می‌باشد و از هنرمندان ایرانی می‌توان از کارهای استاد طاهر بهزاد نام برد. ساعات بازدید کاخ همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۲ عصرها از ۹ تا ۵ بعدازظهر می‌باشد. روزهای جمعه و ۱۱ تا ۱۰ و ۱۲ تا ۹ بوده و شنبه تعطیل است.

